

کلمه از دیدگاه قرآن کریم و عهد جدید

احسان شکوری نژاد

دانشجوی دکتری الهیات مسیحی دانشگاه ادیان و مذاهب

چکیده

واژه کلمه در قرآن کریم و عهد جدید دارای مفاهیم گوناگونی است که مهم‌ترین مفهوم آن توصیف چگونگی ولادت عیسی(ع) است. آفرینش عیسی(ع) در قرآن کریم به صورت یک معجزه منحصر به فرد بیان گردیده، و خلقت وی در انجیل یوحنا نیز جنبه الوهی به خود می‌گیرد. بدین لحاظ، معنی و مفهوم این واژه همواره توسط مفسران اسلامی مورد پژوهش قرار گرفته، و آباء نخستین کلیسا نیز درباره آن با چالش‌های فراوانی مواجهه بودند. به طوری که مسلمانان، عیسی(ع) را همچنان پیامبر الهی دارای رسالت می‌دانند، در حالی که مسیحیان وی را تجسد خداوند بر روی زمین می‌پندارند. این گفتار کوشش بر این دارد با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه آثار، آراء و افکار این اندیشمندان به بررسی این دو نگاه کاملاً متفاوت بپردازد. هر چند نمی‌توان میان این دو دیدگاه به تطابق و سازگاری چندانی دست یافت، با وجود این می‌توان با مطالعه دقیق و محققانه این دو کتاب آسمانی به دور از هر گونه تعصب و جدل، به یک نگاه همدلانه در راستای همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان این ادیان دست یازید.

کلید واژه‌ها: دین، اسلام، مسیحیت، کلمه، قرآن، عهد جدید.

۱. مقدمه

شخصیت عیسی(ع) در قرآن کریم از ویژگی و جایگاه خاصی برخوردار است، و در این کتاب آسمانی چنان از وی با عظمت و بزرگی یاد گردیده که می‌توان اظهار نمود در عهد جدید چنین رویدادی بدین صورت روایت نشده است. دلیل این امر را می‌توان در چگونگی آفرینش، یعنی باردار شدن مریم(س) بدون تماس با هیچ همسری، زبان به سخن گشودن در گهواره، تجرد، معجزات خداگونه، هم‌چون زنده نمودن مردگان و اعطای لقب ویژه کلمه به وی جستجو نمود. این خصوصیات موجب گردیده است که مفسران اسلامی با تأمل بیشتری و از زوایای گوناگون به تفسیر واژه کلمه بپردازند. باوجوداین، همگی ایشان برپایه آموزه‌های قرآنی با اذعان به آفرینش منحصر به فرد عیسی(ع) همواره بر جنبه انسانی وی تأکید ورزیده‌اند، و هم‌چنین بر این اعتقادند که همه معجزات او به‌عنوان پیامبر الهی به اذن خداوند صورت گرفته است، هم‌چنان که خود وی بارها بنده و فرستاده خدا بودن خویش را یادآوری می‌نماید. از این‌رو، تمامی این موارد از دیدگاه مفسران به نفی الوهیت عیسی(ع) منجر گردیده است.

در عهد جدید دو نگرش به شخصیت عیسی(ع) وجود دارد. عیسی(ع) در اناجیل هم‌نوا (synoptic gospels) دارای شخصیتی زمینی و انسانی است، اما به یک‌باره در انجیل یوحنا به شخصیتی آسمانی و الوهی دست می‌یابد. دلیل امر دوم را بایستی آیات نخستین این انجیل دانست که با تأکید و برداشت ویژه از واژه کلمه صورت گرفته است، به‌گونه‌ای که از این آیات چنین استنباط می‌گردد که سرانجام خداوند خود برای هدایت و رستگاری نوع بشر بر روی زمین خاکی متجسد گردیده است. چگونگی رخ دادن این امر بی‌سابقه و منحصر به فرد در میان آباء نخستین کلیسا به مهم‌ترین موضوع چالش برانگیز الهیات مسیحی مبدل گردیده که این امر خود نیز به ارائه نظرات و آراء گوناگون منجر گردید. اما به تدریج با گذشت زمان اعتقاد به الوهیت عیسی(ع) پایه و اساس مسیحیت محسوب گردید، به طوری که با نفی و انکار این اصل حیاتی مسیحیت دیگر هیچ معنی و مفهومی را دربرنخواهد داشت. از این‌رو، مسیحیت با داشتن چنین اعتقادی و درواقع، نفی بنده و فرستاده خدا بودن عیسی(ع) برای خود در میان ادیان ابراهیمی امتیاز و ویژگی خاصی قائل است.

اکنون تلاش می‌گردد، با توجه به سیر نگاه تاریخی مفسران اسلامی از یک‌سوی، و دیدگاه مسیحیت نخستین از سوی دیگر نسبت به واژه کلمه که مرتبط با شخصیت عیسی(ع) است، به بررسی معنی و مفهوم آن به ترتیب در قرآن کریم و انجیل یوحنا پرداخته شود.

۲. کلمه در قرآن کریم از دیدگاه مفسران

نکته‌ای که پیش از ورود به بحث یادآوری آن ضروری به نظر می‌رسد، این است که مفسران آراء و نظرات خویش را در ذیل سه آیه بیان نموده‌اند که به ترتیب عبارتند از:

– وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ. «و چون پروردگار ابراهیم وی را با صحنه‌هایی بیازمود، و او به حد کامل آن امتحانات را انجام بداد، به وی گفت من تو را امام خواهم نمود. ابراهیم گفت از ذریه‌ام نیز کسانی را به امامت برسان. فرمود عهد من به ستمگران نمی‌رسد» (بقره: ۱۲۴).

– إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ. «زمانی که فرشتگان گفتند ای مریم خدای تعالی بشارت می‌دهد به کلمه‌ای از خودش که نامش مسیح عیسی بن مریم، آبرومند در دنیا و آخرت و از مقربین است» (آل عمران: ۴۵).

– يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَ لَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَ رُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ لَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا. «هان ای اهل کتاب در دین خود غلو مکنید، (و پیامبرتان را پسر خداوند و خود را دوستان خداوند مخوانید)، و علیه خداوند جز حق سخن مگویید. همانا مسیح عیسی بن مریم فرستاده خداوند بود، فرمان ایجاد از وی بود که متوجه مریمش نمود، و روحی بود از خداوند. پس به خداوند و فرستادگان وی ایمان آورید، و زنده‌ای که سخن از سه خدایی به زبان آرید که اگر از این اعتقاد باطل دست بردارید، برایتان خیر است؛ چون الله معبودی یکتا است، منزله است از این که فرزندی داشته باشد. آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، ملک خداوند است، و برای داشتن تکیه‌گاه، خداوند بس است» (نساء: ۱۷۱).

۲.۱. جامع البیان فی تفسیر القرآن

طبری درباره واژه کلمه در آیات ۱۷۱ سوره نساء و ۴۵ سوره آل عمران سه قول را مورد بررسی قرار می‌دهد:

الف – برطبق آیه ۱۷۱ سوره نساء «...وَ كَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ...» یعنی خداوند عیسی (ع) را به مریم (س) بشارت داد، و آن بشارت را به حضرت مریم القاء نمود. هم‌چنین با توجه به «بِكَلِمَةٍ

مِنْهُ» در آیه ۴۵ سوره آل عمران که به معنای «به رسالتی از جانب او» است، بشارتی که به مریم(س) القاء گردیده، همان رسالت عیسی(ع) است.

ب - براساس روایت قتاده منظور از واژه کلمه در «بِكَلِمَةٍ مِنْهُ» در آیه ۴۵ سوره آل عمران «كُنْ» است. بدین لحاظ، خداوند عیسی(ع) را کلمه خود نامید؛ زیرا وی برپایه قضا و قدر الهی حادث گردیده است. بنابراین، عیسی(ع) آن امر واقع شده‌ای است که از امر خداوند سرچشمه گرفته و به وجود آمده است.

ج - برخی دیگر برطبق روایت ابن عباس در ذیل آیه ۴۵ سوره آل عمران معتقدند که واژه کلمه نامی برای عیسی(ع) است که خداوند به وسیله آن وی را نام‌گذاری نموده است، همانند دیگر مخلوقاتش که هر نامی بخواهد برای آنان انتخاب می‌نماید.

طبری نزدیک‌ترین پاسخ به صواب را قول نخست می‌داند. و آن این است که مریم(س) به عیسی(ع) و رسالتش از جانب خداوند بشارت داده شده است. بدین سبب، واژه کلمه به صورت مؤنث به کار رفته است؛ زیرا آن نام عیسی(ع) نبوده، بلکه تنها به معنای بشارت است (طبری، ۱۴۱۲ ق، ۳/ ۱۸۵-۱۸۶).

۲.۲. التبیان فی تفسیر القرآن

شیخ طوسی در تفسیر آیه ۴۵ سوره آل عمران بر این اعتقاد است که بنابر سخن ابن عباس و قتاده، منظور از «بِكَلِمَةٍ مِنْهُ» مسیح(ع) است که خداوند وی را کلمه نامیده است. وی برای این نام‌گذاری سه احتمال را در نظر می‌گیرد:

الف - خداوند مسیح(ع) را کلمه نامید؛ زیرا وی به وسیله کلمه خداوند موجود گردید، و آن کلمه «كُنْ فَيَكُونُ» است که در قرآن کریم نیز آمده است. البته بایستی توجه نمود ضمیر موجود در «اسمه» به کلمه باز می‌گردد، و گرچه ظاهر «کلمه» مؤنث است، اما معنایش مذکر بوده، و در این جا ضمیر به معنی بازگشت می‌نماید، نه به لفظ.

ب - خداوند ظهور مسیح(ع) را در کتب انبیای گذشته بشارت داده است. بدین معنی که واژه کلمه به معنای بشارت است. گویی خداوند از آغاز به جای «بِكَلِمَةٍ مِنْهُ» می‌خواسته بفرماید «به بشارتی از جانب او»، و آن بشارت عبارت است از فرزندی که نامش مسیح(ع) است. البته وی برطبق آیه ۱۷۱ سوره نساء معتقد است که منظور از این بشارت، رسالت مسیح(ع) است.

ج - خداوند به وسیله مسیح(ع) هدایت می‌نماید، همان‌گونه که افراد بشر از طریق کلمه‌اش (کلامش) راهنمایی می‌یابند.

سرانجام این که از دیدگاه شیخ طوسی احتمال نخست از همه قوی‌تر است. هم‌چنین وی آیه ۱۷۱ سوره نساء که خداوند می‌فرماید «...إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ...» را تأییدی دیگر بر نظر خویش می‌داند (طوسی، بی‌تا، ۲/ ۴۶۱، ۳/ ۴۰۰).

۲.۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن

طبرسی برطبق روایات ابن عباس و قتاده و جمعی از مفسران معتقد است که منظور از واژه کلمه در «بِكَلِمَةٍ مِنْهُ» در آیه ۴۵ سوره آل عمران مسیح(ع) است که خداوند وی را کلمه نامیده است، و درباره این نامگذاری چند قول را بررسی می‌نماید:

الف - مسیح(ع) با کلمه الهی «كُنْ فَيَكُونُ» و بی‌واسطه پدر به‌وجود آمده، و دلیل این معنا آیه ۵۹ سوره آل عمران «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» است.

ب - مسیح(ع) کلمه نامیده شده است؛ زیرا خداوند در کتب آسمانی پیشین ظهور وی را بشارت داده بود.

ج - مردم به‌واسطه مسیح(ع) هدایت می‌گردند، همان‌گونه که نوع بشر با کلام خداوند راهنمایی می‌یابد.

در نگاه طبرسی معنای نخست از همه اقوال دیگر قوی‌تر است، و مؤید آن را آیه ۱۷۱ سوره نساء «...إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ...» می‌داند، و معتقد است گرچه ضمیر «اسمه» مذكر بوده، و به «کلمه» که مؤنث است، باز می‌گردد، اما معنی «کلمه» عیسی(ع) و مذكر بوده، هرچند لفظ آن مؤنث است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲/ ۷۴۹).

۲.۴. مفاتیح الغیب

فخر رازی در تفسیر واژه کلمه در «بِكَلِمَةٍ مِنْهُ» آیه ۴۵ سوره آل عمران از میان وجوه گوناگون دو وجه را مناسب‌ترین می‌داند:

- وجه نخست این که هر مخلوقی به‌واسطه کلمه‌ای به‌وجود می‌آید، و آن کلمه «كُنْ» است. اما درباره عیسی(ع) سبب معمول یعنی پدر وجود ندارد. پس به‌ناگزیر اضافه گردیدن حدوث وی به

«کلمه» کامل‌ترین و تام‌ترین محسوب می‌گردد. در این صورت، گویی که عیسی(ع) خود «کلمه» است.

- وجه دیگر این که عیسی(ع) موجب ظهور کلام خداوند به واسطه کثرت بیاناتش، و از بین بردن شبهات و تحریفات از کلام خداوند گردید.

وی در ادامه در پاسخ به چگونگی به وجود آمدن فردی بی نطفه پدری اظهار می‌دارد: «نخست این که خداوند بر ایجاد همه مخلوقات قادر است، از جمله آفرینش انسانی از راهی به غیر از نطفه پدری. هم‌چنین اگر وقوع چنین امری توسط صدق نبی اسلام(ص) تصدیق گردید، بنابراین به یقین وقوع آن واجب و ضروری است. دیگر این که با توجه به آیه ۵۹ سوره آل عمران «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»، آفرینش عیسی(ع) نیز بدون وجود پدر به دور از ذهن نیست (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ ق، ۸ / ۲۲۱).

۲.۵. نظم الدرر فی تناسب الآيات و السور

بقاعی معنی و مفهوم کلمه در «بِكَلِمَةٍ مِنْهُ» در آیه ۴۵ سوره آل عمران را سرمشایی می‌داند که عیسی(ع) از جانب آن و بی‌واسطه پدر آفریده شده است. بدین معنی که منظور از واژه کلمه حقیقت عیسی(ع) نیست، بلکه آن امری است که وی از آن به وجود آمده، و به وسیله آن فعالیت می‌نماید. هم‌چنین وی برای تأیید نظر خویش به واژه کلمه در آیه ۱۷۱ سوره نساء «...وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ...» استناد نموده، و بیان می‌دارد که آفرینش عیسی(ع) خرق عادت بوده است (بقاعی، ۱۴۰۴ ق، ۴ / ۳۹۶، ۵ / ۵۲۰).

۲.۶. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم

آلوسی معتقد است که اطلاق واژه کلمه بر عیسی(ع) در آیه ۴۵ سوره آل عمران به این اعتبار است که وی برخلاف دیگر آدمیان به واسطه پدر آفریده نشده، بلکه از طریق کلمه «كُنْ» به وجود آمده است. از این روی، تأثیر کلمه «كُنْ» در حق وی آشکارتر و کامل‌تر است. وی آیه ۵۹ سوره آل عمران را «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» سندی دیگر برای تأیید دیدگاه خویش می‌داند. در حالی که وی اطلاق واژه کلمه به معنای بشارت بر عیسی(ع) در آیه ۱۷۱ سوره نساء را بدان جهت که خداوند در کتب پیشینیان به او بشارت داده است، نمی‌پذیرد (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ۲ / ۱۵۴).

۲.۷. حجه التفسیر و بلاغ الإکسیر

بلاغی تنها در ذیل آیه ۱۷۱ سوره نساء به این موضوع پرداخته است. وی منظور از واژه کلمه در این آیه را عیسی(ع) می‌داند. بدین معنی که در اثر خطاب «کُنْ» از جانب خداوند پیکر او به وجود آمده است (بلاغی، ۱۳۸۶، ق، ۲ / ۹۱).

۲.۸. التحریر و التنویر

ابن عاشور با توجه به آیه ۴۵ سوره آل عمران بر این اعتقاد است که خداوند عیسی(ع) را با واژه کلمه توصیف نمود که حالت خاص و ویژه‌ای دارد. بدین معنی که کلمه‌ای است که برخلاف علل و اسباب عادی و معمول به وجود آمده است. هم‌چنین وی با در نظر گرفتن آیه ۱۷۱ سوره نساء معتقد است که خداوند مسیح(ع) را با واژه کلمه‌الله وصف نمود، وصفی که تعبیر آن در آغاز انجیل یوحنا آمده، و قرآن کریم نیز از آن حکایت نموده، و آن را تصدیق می‌نماید. این امر بر این که این واژه از کلمات انجیل است، دلالت می‌نماید. بنابراین، معنای آن همان کلمه‌الله است که به معنای تکوین بوده، و در اصطلاح از آن به «کُنْ» تعبیر می‌گردد. اما اطلاق کلمه بر تکوین به صورت مجاز است، و تکوین با کلمه برابر نیست، بلکه معنای آن تعلق قدرت است. در نتیجه، حدوث عیسی(ع) برخلاف تکوین دیگر آدمیان که تأثیر آشکار و شناخته شده‌ای در آفرینش آنان وجود دارد، با تعلق قدرت صورت گرفته است (ابن عاشور، بی تا، ۳ / ۹۶، ۴ / ۳۳۱).

۲.۹. المیزان فی تفسیر القرآن

علامه طباطبایی در تفسیر «بِکَلِمَاتٍ فَاتَمَمْنَهُ» در آیه ۱۲۴ سوره بقره بر این اعتقاد است که هرچند کلمه در قرآن کریم بر موجودات و اعیان خارجی اطلاق گردیده، نه بر الفاظ و اقوال هم‌چون آیه ۴۵ سوره آل عمران «...بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ...»، اما آفرینش همگی آنان به عنایت قول و لفظ است. بدین معنی که خداوند می‌خواهد بفرماید مسیح(ع) با کلمه و قول خداوند که فرمود «کُنْ» خلق گردیده، هم‌چنان که در آیه ۵۹ سوره آل عمران می‌فرماید «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ، ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». این امر نه تنها درباره داستان مسیح(ع) صدق می‌نماید، بلکه هر جا که در قرآن کریم لفظ کلمه به خداوند نسبت داده شده، منظور همین قول «کُنْ فَيَكُونُ» است.

بنابراین، وی معتقد است که از دیدگاه قرآن کریم توصیف کلمه در کلام خداوند کامل و تام صورت می‌گیرد، و این امر هنگامی به‌وقوع می‌پیوندد که کلمه لباس عمل را به‌خود ببوشد. بدین‌معنی، کلمه با فعل خود دارای ملازمت ذاتی است. بدین‌ترتیب، معنای کلمه متناسب به خداوند عبارت است از هر امری که اراده خداوند آن را آشکار می‌سازد، خواه امر تکوینی باشد که با آن امری از عدم به عالم هستی قدم می‌گذارد، یا وحی و الهام باشد که اراده خداوند را برای شخص پیامبر و یا محدث ظاهر می‌نماید. سپس وی در ادامه بیان می‌دارد که منظور از واژه کلمه در «بِكَلِمَةٍ مِنْهُ» خود عیسی(ع) است؛ زیرا مصداق کلمه «كُنْ» است. هرچند که هر انسانی مصداقی از کلمه «كُنْ» تکوینی است، اما ولادت دیگر افراد برطبق مجرای علل و اسباب عادی و معمول صورت می‌گیرد، و بدین‌لحاظ ولادت به عمل نکاح مستند می‌گردد. درحالی‌که انعقاد نطفه عیسی از این طریق نبوده، و پاره‌ای از علل و اسباب عادی و تدریجی را دارا نبوده است. بنابراین، به‌ناچار بایستی هستی وی تنها به کلمه تکوین، بی‌آن‌که علل و اسباب عادی و معمول در آن دخالتی داشته باشند، مستند گردد، همچنان‌که وی آیات ۱۷۱ سوره نساء «... وَ كَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَ رُوحٌ مِنْهُ...» و ۵۹ سوره آل عمران «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ، ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» را تأییدی دیگر بر نظر خویش می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱/ ۲۶۹، ۳/ ۱۹۲-۱۹۳).

۲.۱۰. التفسیر لکتاب الله المنیر

حویزی برطبق آیه ۴۵ سوره آل عمران معتقد است که عیسی(ع) نه از راه مجاری طبیعی، بلکه با اطلاق کلمه «كُنْ» آفریده شده است که تعبیر آن عبارت است از اراده خداوند در آفرینش اشیاء. اما اراده‌ای که عین قدرت است. بدین‌معنی که به‌مجرد تحقق اراده امر مورد نظر محقق می‌گردد، برخلاف جهان خارج که تحقق هر امری با اعمال قدرت صورت می‌گیرد (کرمی حویزی، ۱۴۰۲ ق، ۲/ ۴۶).

۲.۱۱. التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج

زحیلی با توجه به آیه ۴۵ سوره آل عمران بر این اعتقاد است که اطلاق واژه کلمه بر عیسی(ع) به‌صورت مجازی است؛ زیرا براساس آیه ۱۷۱ سوره نساء عیسی(ع) به‌وسیله کلمه‌ای تکوینی از جانب خداوند و به‌طریقی غیر از پدر آفریده شده است که مصداق این امر برطبق آیه ۵۹ سوره آل

عمران «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ، ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» آدم (ع) است. هم‌چنان که آشکار است، ماده یا طبیعت به‌خودی خود مخلوق بوده، و از آفرینش دیگری عاجز است. بنابراین، اصل نخستین در آفرینش همه مخلوقات، اراده خداوند است (زحیلی، ۱۴۱۸ ق، ۶/۴۵).

۲.۱۲. تفسیر من وحی القرآن

فضل الله منظور از واژه کلمه در آیات ۴۵ سوره آل عمران و ۱۷۱ سوره نساء را اراده تکوینی خداوند، بدون دخالت علل و اسباب طبیعی و از مظاهر قدرت الهی که از آن به «کُن» تعبیر شده است، می‌داند؛ زیرا برای ولادت عیسی (ع) وجود همسر علت نبوده است. هم‌چنین وی برای تأیید سخن خویش به آیه ۴۵ سوره آل عمران «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ، ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» استناد می‌نماید (فضل الله، ۱۴۱۹ ق، ۶/۱۵، ۷/۵۵۳).

۲.۱۳. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن

صادقی معتقد است که عیسی (ع) در سه آیه از آیات قرآن کریم با واژه کلمه وصف شده است. یکی آیه ۴۵ سوره آل عمران، دیگری آیه ۱۷۱ سوره نساء و سومی آیه ۳۹ سوره آل عمران «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ». وی معتقد است که عیسی (ع) نتیجه واژه «کُن» است. هرچند که هر مولودی با واژه «کُن» و از طریق نطفه پدری به‌وجود می‌آید. اما عیسی (ع) از آن جهت که فاقد ویژگی نطفه پدری است، از این‌روی تنها وی با واژه کلمه توصیف شده است (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ۵/۱۳۷-۱۳۸).

۲.۱۴. تفسیر نمونه

مکارم شیرازی نظر به آیه ۴۵ سوره آل عمران معتقد است که در این آیه از مسیح (ع) به‌عنوان «کلمه» یاد گردیده که البته این تعبیر در کتب عهد جدید نیز دیده می‌شود. دلیل این امر می‌تواند بشارت وی در کلامی از جانب خداوند به مادرش پیش از تولد باشد، یا بیشتر آفرینش شگفت‌انگیز او از طریقی به‌غیر از وجود پدر است، هم‌چنان که خداوند در آیه ۸۲ سوره یس می‌فرماید «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». هم‌چنین وی برطبق آیات ۴۵ سوره آل عمران و ۱۷۱ سوره نساء بر این اعتقاد است که امکان دارد تعبیر عیسی (ع) کلمه خداوند

است، به مخلوق بودن وی اشاره داشته باشد، هم‌چنان که در آیه ۱۰۹ سوره کهف «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَاداً لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَ لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا» به همه مخلوقات اطلاق «کلمه» گردیده است. همه این موارد افزون بر این که بیانگر این است که عیسی(ع) یکی از مخلوقات بزرگ خداوند بوده که از نظر آفرینش دارای برجستگی خاصی است، می‌تواند پاسخی به مدعیان الوهیت عیسی نیز باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۵۴۸ / ۲، ۲۲۲/۴).

همان‌گونه که ملاحظه گردید در طول تاریخ تفسیر قرآن کریم بسیاری از مفسران درباره معنی و مفهوم واژه کلمه مرتبط با چگونگی ولادت عیسی(ع) بیشتر براساس احادیث و روایات و کمتر برطبق کلام و فلسفه اسلامی به تفسیر این واژه پرداخته‌اند. هم‌چنین به‌ندرت مشاهده می‌گردد که در ارائه آراء و افکار خویش که غالباً نیز بدون هیچ نظریه‌پردازی جدیدی بوده، و درواقع دوباره‌گویی دیدگاه گذشتگان است، از عهد جدید بهره بگیرند که این امر شاید نشانگر پایبندی متعبدانه آنان به قرآن کریم و عدم مطالعه محققانه کتاب مقدس مسیحیان از سوی ایشان باشد. اما به‌نظر می‌رسد این مفسران می‌توانستند با آگاهی از محتوای انجیل یوحنا و دارا بودن نگاهی عرفانی، هم‌چون این که عیسی(ع) تجلی خاص الهی است، راه را برای رسیدن به یک نگاه همدلانه به این کتب آسمانی بگشایند.

۳. کلمه در انجیل یوحنا در نگاه مسیحیت نخستین

همان‌گونه که پیش از این ذکر گردید، واژه کلمه در ارتباط با چگونگی ولادت عیسی(ع) در هجده آیه نخست باب اول انجیل یوحنا بیان گردیده است که عبارتند از:

۱. در ابتدا کلمه بود، و کلمه نزد خداوند بود، و کلمه خداوند بود.
۲. همان در ابتدا نزد خداوند بود.
۳. همه چیز به‌واسطه او آفریده شد، و به‌غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت.
۴. در او حیات بود، و حیات نور انسان بود.
۵. و نور در تاریکی می‌درخشید، و تاریکی آن را درنیافت.
۶. شخصی از جانب خداوند فرستاده شد که اسمش یحیی بود.
۷. او برای شهادت آمد تا بر نور شهادت دهد تا همه به‌وسیله او ایمان آورند.
۸. او آن نور نبود، بلکه آمد تا بر نور شهادت دهد.
۹. آن نور حقیقی بود که هر انسان را منور می‌گرداند، و در جهان آمدنی بود.

۱۰. او در جهان بود، و جهان به واسطه او آفریده شد، و جهان او را شناخت.
۱۱. به نزد خاصان خود آمد، و خاصانش او را نپذیرفتند.
۱۲. و اما به آن کسانی که او را قبول نمودند، قدرت داد تا فرزندان خداوند گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد.
۱۳. که نه خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خداوند تولد یافتند.
۱۴. و کلمه جسم گردید، و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی؛ و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر.
۱۵. و یحیی بر او شهادت داد، و ندا کرده، می‌گفت این است آن که درباره او گفتیم، آن که بعد از من می‌آید، پیش از من شده است؛ زیرا که بر من مقدم بود.
۱۶. و از پُری او جمیع ما بهره یافتیم، و فیض به عوض فیض.
۱۷. زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد، اما فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح رسید.
۱۸. خداوند را هرگز کسی ندیده است؛ پسر یگانه‌ای که در آغوش پدر است، همان او را ظاهر نمود.

۳.۱. کلمه به عنوان مسیح ازلی

بسیاری از پژوهشگران بر این اعتقادند که واژه کلمه در مقدمه انجیل یوحنا بازتاب اندیشه لوگوس (logos) فلسفه فیلونی بوده، و بدین لحاظ طبیعت وجودی عیسی (ع) با روایت نوینی به یکباره جنبه الوهی به خود می‌گیرد. از این روی، بایستی به بررسی ژرف و محققانه این پیش‌زمینه فکری بسیار مهم و تشابهات کلمه یوحنا با لوگوس فیلونی پرداخته گردد.

لوگوس فیلون دارای سه مرحله وجودی است؛ دو مرحله پیش از آفرینش جهان، و یک مرحله پس از آفرینش آن. نخست این که لوگوس از ازل به عنوان فکر خداوند وجود داشت. سپس در مرحله دوم، خداوند پیش از آفرینش جهان لوگوس را به عنوان یک موجود واقعی غیرمادی آفرید، و آن را به عنوان یک وسیله، و بلکه نوعی طرح در آفرینش جهان به کار برد. پس از آن در مرحله سوم، خداوند همراه با آفرینش جهان لوگوس را در آن قرار داد، و لوگوس در این مرتبه یعنی لوگوس حلول یافته در جهان که به عنوان ابزار مشیت الهی در همه اجزای آن عمل می‌نماید. بنابراین، در اندیشه فیلون آیه نخست سفر پیدایش «در ابتدا خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید»، نه به معنای آفرینش این جهان مشهود، بلکه به معنای آفرینش جهان معقول است، جهانی که مقدم بر این جهان محسوس است، و محتوا و درون‌مایه لوگوس و همسان با آن است.

بدین لحاظ، از نظر فیلون لوگوس که ظرف جهان معقول است، «در ابتدا» آفریده گردید، یعنی پیش از آفرینش جهان محسوس به وجود آمد.

بدین ترتیب، یوحنا نیز هنگامی که مقدمه خود را به تقلید از نخستین آیه سفر پیدایش آن گونه که فیلون تفسیر نموده بود، نگاشت، آن را با عبارت «در ابتدا کلمه بود» آغاز نمود. هم‌چنین وی در توصیف کلمه هم‌چون فیلون که از لوگوس ازلی با عنوان «پسر خداوند که نخست‌زاده است» (Philo, 1988, 3/ 135.) نام می‌برد، کلمه را «یگانه پسر» (یوحنا ۱: ۱۸) می‌داند. او سپس همانند فیلون که لوگوس ازلی را امری می‌پنداشت که «جهان به وسیله آن شکل گرفت» (Ibid, 1981, 1/ 261 – 282.)، درباره کلمه چنین می‌گوید «همه چیز به واسطه او آفریده شد» (یوحنا ۱: ۳). وی در ادامه به مانند فیلون که اظهار می‌دارد خداوند پس از آفرینش جهان لوگوس را در آن قرار داد، به طوری که «خود را از میانه تا آخرین کرانه‌های آن و باز از کرانه‌ها تا میانه گستراند، و با همه امتداد خود طبیعت را در مسیر خود نگه می‌دارد» (Ibid, 339.)، درباره کلمه بیان می‌دارد که پس از آفرینش جهان «او در جهان بود» (یوحنا ۱: ۱۰).

اما مهم‌ترین موضوع این است که یوحنا به هیچ‌روی تبیین نمی‌نماید که چگونه کلمه جسم گردید، و عیسی (ع) خارج از روند طبیعی بشری چشم به جهان گشود. در واقع، به نظر می‌رسد که این امر اساسی‌ترین چالش کلام مسیحی در راستای تاریخ حیات آن است که نمی‌توان دلیل عقلانی برای آن یافت. با وجود این، برخی از آباء کلیسا در آیه سیزدهم مقدمه انجیل یوحنا تصدیق آشکاری نسبت به تولد فوق طبیعی عیسی (ع) یافته، و آن را چنین قرائت می‌نمودند «او که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خداوند تولد یافت». ایشان با چنین خوانشی از آیه سیزدهم منظور از آن را عیسی (ع) می‌دانستند، و این چنین نتیجه‌گیری می‌نمودند که عبارت «کلمه جسم گردید» در آیه چهاردهم بدین معنی است که وی با روند فوق طبیعی متولد گردید. در حالی که اثبات گردیده که چنین خوانشی نادرست بوده؛ زیرا قرائت درست آیه «که تولد یافتند» است. در نتیجه، تعبیر «تولد یافتند» به عبارت «فرزندان خداوند» در آیه دوازدهم اشاره می‌نماید (Wolfson, 1971, 1/ 177-180).

۳.۲. نظریه دو مرحله‌ای بودن کلمه

بحث از کلمه یا مسیح ازلی هر چند با یوستین آغاز می‌گردد، و تا کلمنت اسکندرانی از آباء یونانی و لاکتانئوس از آباء لاتینی ادامه می‌یابد، اما شواهد و دلایل غیرقابل تردیدی از تأثیر لوگوس

فیلولنی را آشکار می‌نماید. به نظر می‌رسد که همه این آباء کلمه انجیل یوحنا را با لوگوس ازلی یکسان دانسته، و ظاهراً از دیدگاه فیلون درباره دو مرحله‌ای بودن لوگوس ازلی اطلاع داشته، و آگاهانه این نظریه را از لوگوس فیلولنی به کلمه انجیل یوحنا منتقل نموده‌اند. حال به دیدگاه یوستین در این باره پرداخته می‌گردد.

یوستین نظریه دو مرحله‌ای بودن لوگوس ازلی فیلون را در این سخن مربوط به کلمه بیان می‌دارد که «کلمه پیش از پیدایش آثار آفرینش هم با پدر بود، و هم مولود گردید» (Schaff, 2001, *The Second Apology*, VI). معنای این سخن آن است که پیش از آفرینش جهان کلمه در آغاز از ازل با خداوند بود، و سپس به وسیله او مولود گردید. وی این مرحله وجودی اخیر را به نحو روشن‌تری در عبارتی بیان می‌نماید که در آنجا با بهره‌گیری از آیه مربوط به حکمت در کتاب *امثال سلیمان* (۸: ۲۲)، «خداوند مرا مبدأ طریق خود داشت، پیش از اعمال خویش از ازل»، درباره کلمه می‌گوید «او که سلیمان حکمتش می‌نامد به‌عنوان آغازی پیش از همه مخلوقات خداوند و به‌عنوان فرزند خداوند تولد یافت» (Ibid, Dialogue with Trypho, LXII). یا اظهار می‌دارد «خداوند از خودش نوعی قوه عقلانی خاص را که کلمه نامیده می‌شود به‌عنوان مبدأ همه مخلوقات پدید آورد (Ibid, LXI)». (Wolfson, 1971, 1/ 192-193).

۳.۳. نظریه یک مرحله‌ای بودن کلمه

در برابر نظریه دو مرحله‌ای بودن کلمه که توسط یوستین مطرح گردید، کمی بعد ایرنائوس نظریه یک مرحله‌ای بودن کلمه را ارائه نمود. این نظریه تا مدتی به موازات نظریه دو مرحله‌ای و در کنار آن به رونق و بالندگی دست یافت، و سپس جایگزین آن گردید. برطبق این نظریه، کلمه در حالت پدید آمدنش نیز که از نظر شارحان نظریه دو مرحله‌ای از مرحله دوم آغاز می‌گردید، از ازل وجود داشته است.

ایرنائوس این نظریه نوین را تا حدی به‌صورت مبهم، نه مستقیماً در برابر نظریه دو مرحله‌ای، بلکه غیرمستقیم در جریان نقد گنوسی‌ها مطرح نمود. وی هنگامی که گنوسی‌ها را اساساً به‌خاطر تلقی‌شان از پدید آمدن لوگوس به‌عنوان نوعی صدور جسمانی مورد انتقاد قرار می‌دهد، آنان را کسانی می‌داند «که کلام ملفوظ آدمیان را به کلمه ازلی خداوند منتقل می‌نمایند، و برای وی شبیه معامله‌ای که با کلام خود انجام می‌دهند، آغاز زایش و تکوین قائلند» (Schaff, 2001, Book II, XIII, 8). ایرنائوس در گفتار دیگری در مخالفت با گنوسی‌ها که برای لوگوس

«آغاز زایش» قائلند، بیان می‌دارد که لوگوس یا به تعبیری که در این مورد به کار می‌برد، «پسر»، «از قدیم‌الایام و بلکه از آغاز با پدر همواره معیت وجودی» داشته است. از شیوه نگارش متن به روشنی برمی‌آید که وی عبارت «از قدیم‌الایام، و بلکه از آغاز» را معادل عبارت «با پدر همواره معیت وجودی دارد» دانسته، و بنابراین به معنای «از ازل» به کار می‌برد. بدین لحاظ، هنگامی که وی درباره کلمه اظهار می‌دارد که انجیل یوحنا «پیدایش شکوهمند، پربرکت و پرجلال او را با اظهار "در ابتدا کلمه بود" روایت می‌نماید» (Ibid, XXX, 9; cf, XXV, 3.)، عبارت «در ابتدا» را نه به معنای آغاز آفرینش جهان، بلکه به معنای از ازل به کار می‌برد.

با مطالعه و بررسی این دو نظریه می‌توان این چنین نتیجه‌گیری نمود، درحالی‌که شارحان نظریه دو مرحله‌ای نوعی مبدأ تکوینی برای کلمه قائلند، باوجوداین وجود ازلی آن را در ذهن خداوند که مقدم بر پیدایش آن است، تصدیق می‌نمایند. اما با توجه به این که ایرنائوس آشکارا برای کلمه به مبدأ تکوین قائل نیست، عبارت «در ابتدا کلمه بود» را این‌گونه معنا می‌نماید که پیدایش لوگوس در ازل صورت پذیرفت. هم‌چنین نظر به این که وی هیچ‌گاه از تعبیر خاص نظریه دو مرحله‌ای استفاده نمی‌نماید که به یقین تعبیر آشنایی برای او بوده‌اند، می‌توان چنین استنباط نمود که وی به نظریه دو مرحله‌ای اعتقادی نداشته است. ازسویی دیگر، با توجه به مخالفت ایرنائوس با نظریه گنوسی تکوین که وی آن را قائل گردیدن به «نوعی آغاز زایش» برای کلمه می‌داند، از دیدگاه او به هیچ‌روی برای تکوین نیابستی به آغاز و مبدأ، حتی به مبداًیی که مسبوق به وجود ازلی در ذهن خداوند باشد، قائل گردید (Wolfson, 1971, 1/ 192-193).

در نگاه پژوهشگران این‌گونه تصور از کلمه الهی در آغاز انجیل یوحنا یقیناً نشان از منشأیی احتمالاً رواقی در فلسفه یونانی دارد. هم‌چنین در نوشته‌های قانونی اصطلاحاتی با سرچشمه فلسفی وجود دارند، و باوجود چنین اصطلاحاتی تعجبی ندارد که آنها در آینده منبع تفکر الهیاتی و فلسفی قرار گرفته باشند. همه تاریخ‌دانان در اصل این رویداد با هم متفق‌القول‌اند، اما اساساً به دلیل اختلافات دینی درباره تفسیر تاریخی آن هم‌نظر نیستند. دیدگاه نخست در این باره از آن هارناک است. بنابر نظر وی مهم‌ترین حادثه‌ای که تاکنون در تاریخ تعالیم مسیحی رخ داده مربوط به آغاز قرن دوم است، درست هنگامی که دفاعیه‌نویسان مسیحی این معادله را ساختند: لوگوس عیسی مسیح است. این دست‌درازی عناصر یونانی به تعالیم مسیح سرآغاز یونانی‌سازی فزاینده تفکر مسیحی بود. اما به اعتقاد هارناک بهتر است مسیحیت به تعالیم واقعی مسیح آن‌گونه که در متی، مرقس و لوقا آمده است، محدود شود، و هیچ‌گاه نباید به فلسفه‌ای دینی تبدیل گردد.

دیدگاه دوم که عموم تاریخ‌دانان کاتولیک آن را پذیرفته‌اند، نقش مهم فلسفه یونانی را در نظم بخشیدن و تفسیر اصول عقاید مسیحی رد نمی‌نماید، و حتی سعی در کم اهمیت جلوه‌دادن آن ندارد، بلکه بر این واقعیت تأکید می‌ورزد که آنچه بدین ترتیب نظم یافته و تفسیر شده است، همواره تعالیم اصیل مسیح بوده است؛ تعالیمی که به‌طور کامل از طریق سنت الهیاتی کاتولیک به ما رسیده است. بدین معنی که هیچ‌گاه یک مفهوم فلسفی - یونانی محض با در نظر داشتن معنای دقیق فلسفی، به عنصر مقوم ایمان مسیحی به معنای دقیق کلمه تبدیل نگردیده است (Gilson, 1955, 5-6). به نظر می‌رسد از میان این دو نگاه، دیدگاه هارناک درست و منطقی‌تر باشد که در این صورت مسیح توصیف شده در اناجیل هم‌نوا به مسیح قرآنی نزدیک‌تر است.

۴. نتیجه‌گیری

مفسران اسلامی با توجه به آفرینش شگفت‌انگیز، بی‌سابقه و منحصر به فرد عیسی(ع) به واژه کلمه در ارتباط با چگونگی ولادت وی بیشتر نگاهی روایی - کلامی داشته که در نهایت نیز هم‌چنان او را پیامبر الهی دارای رسالت می‌دانند، در حالی که در مسیحیت نخستین با بازتاب اندیشه فیلونی ذات عیسی(ع) به یک‌باره جنبه الوهی به‌خود گرفته است. اما مفسران اسلامی کم‌تر کوشیده‌اند که با مطالعه عهد جدید به‌ویژه انجیل یوحنا و از دیدگاه عقلانی و به‌طور خاص با نگاه عرفانی به بررسی این موضوع بپردازند، و مسیحیت نخستین نیز تلاش چندانی ننموده که از راه برهان و استدلال چگونگی تجسد ذات الوهی عیسی(ع) را بر روی زمین تبیین نماید. این امر بیانگر آن است که کم‌تر می‌توان میان این دو دیدگاه به نگاه مشترکی دست یافت. بدین لحاظ، ضروری به نظر می‌رسد که اندیشمندان این ادیان الهی به‌دور از هر گونه تعصب و جدل، بلکه با ارائه نظریه‌پردازی‌های جدید در جهت رویکرد همدلانه به این کتب آسمانی و در راستای نیاز حیاتی جهان امروز موجبات زندگانی مسالمت آمیز میان پیروان این ادیان را فراهم سازند.

منابع

۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحرير و التنوير، بی جا، بی نا.
۳. بُقاعی، برهان الدین (۱۴۱۴ ق)، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، قاهره، دار الكتاب الاسلامی.
۴. بلاغی، سید عبدالحجت (۱۳۸۶ ق)، حجه التفاسیر و بلاغ الإکسیر، قم، انتشارات حکمت.
۵. زحیلی، وهبه بن مصطفى (۱۴۱۸ ق)، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، بیروت، دار الفكر المعاصر.
۶. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۹. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۱. عهد جدید
۱۲. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعه و النشر.
۱۴. قرآن کریم
۱۵. کرمی حویزی، محمد (۱۴۰۲ ق)، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم، چاپخانه علمیه.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
17. Gilson, Etienne (1955), History of Christian philosophy in the Middle Ages, New York, Random House.
18. Philo (1981), Philo's Works, V. 1, Trans. F. H. Colson & G. H. Whitaker, Massachusetts, Harvard University Press.

19. Philo (1988), Philo's Works, V. 3, Trans. F. H. Colson & G. H. Whitaker, Massachusetts, Harvard University Press.
20. Schaff, Philip (2001), Ante-Nicene Fathers, V. 1, The Apostolic Fathers with Justin Martyr and Irenaeus, Ed. Alexander Roberts & James Donaldson, Grand Rapids, Christian Classics Ethereal Library.
21. Wolfson, Harry Austryn (1970), The Philosophy of the Church Fathers, V.1, Massachusetts, Harvard University Press.

